



حَمَلُوا بِصَافِرِهِمْ عَلَىٰ أَسْيَافِهِمْ

نشریه الکترونیکی بصائر

شماره: (۲۲۰)

با موضوع:

چگونگی روایت گری اول در دفاع از بسیج در جنگ شناختی



بسیج اساتید

معاونت تبیین و گفتمان سازی

چگونگی روایت گری اول در دفاع از بسیج در جنگ شناختی

اشاره:

نوشتار ذیل متن سخنان سردار علی محمد نائینی سخنگوی محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می باشد که در مراسم افتتاحیه دوره توانمندسازی استادان جهادگران تبیین دانشگاه های کشور در مشهد مقدس پیرامون جنگ شناختی و تاثیر روایت اول ایراد گردیده است. امید است این مطالب ضمن استفاده علاقه مندان نشریه، مورد استفاده کاربران گرامی جهت بهبود کیفیت و کمیت روایت گری اول در دفاع از نظام اسلامی و نهادهای انقلابی به ویژه سپاه و بسیج قرار گیرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریباً تمام مراکز فکری و اندیشه ورزی آمریکا و غرب روی تهدید بودن جمهوری اسلامی اتفاق نظر دارند. یعنی در این که جمهوری اسلامی تهدیدی برای غرب است اختلافی وجود ندارد. اما در مورد ریشه تهدید اختلاف دارند. لذا الگوهای مواجهه با جمهوری اسلامی هم متفاوت است. تقریباً ده، دوازده مدل و الگوی مواجهه با جمهوری اسلامی در مراکز فکری و اندیشه ورز غرب وجود دارد که به تفصیل در کتاب «اصول و مبانی جنگ نرم» به آن پرداخته ام.

چهار نظریه در مورد ریشه های تهدید جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که عبارتند از:

۱) تهدید جمهوری اسلامی تهدید ذاتی است و الگویی که صاحبان این نظریه برای مهار ایران تجویز و پیشنهاد می کنند، مقابله سخت است.

۲) تهدید جمهوری اسلامی در رفتار جمهوری اسلامی است. طرفداران این نظریه راه مقابله با ایران را رویکرد دیپلماسی، مذاکره، گفتگو، تطمیع، تهدید برای تعدیل رفتار جمهوری اسلامی می دانند.

۳) ریشه تهدید ایران به الگوی حکمرانی آن یعنی نظریه ولایت فقیه بر می گردد. به عبارت روشن ولایت فقیه تهدید غرب است. راهکار مقابله این نظریه پردازان هم تضعیف این جایگاه و از اعتبار انداختن آن در رسانه های جهانی و رسانه های غربی با تولید ده ها و صدها سوژه هنری، ادبی و تصویری است.

۴) نظریه چهارم ریشه تهدید ایران را در نهادهای اصلی جمهوری اسلامی به ویژه سپاه و بسیج می داند معتقد است که منبع قدرت جمهوری اسلامی همین نهاد است. راهکار مقابله با آن را بی اعتبارسازی سپاه در رسانه های جهانی با تولید آثار مختلف هنری، رسانه ای و ادبی معرفی می کند. چند سال پیش هم یک مستندی تحت عنوان «حکومت سرداران، سرداران حکومت» تولید کردند که در شبکه های مختلف جهانی و شبکه های ماهواره ای به طور مفصل و در نوبت های مختلف باز پخش داشت.

مدل های غرب برای جلوگیری از تهدید ایران

بر اساس همین مبانی که وجود دارد الگوهای مختلف مقابله هم شکل می گیرد. الگوی مقابله سخت، نیمه سخت و نرم یا هوشمند یعنی بهره گیری از تمام مولفه های قدرت به صورت هوشمندانه و اقتضایی. در هر یک از این الگوها هم و مدل های مختلفی وجود دارد. مثلاً وقتی الگوی مقابله سخت مطرح می شود، ذیل آن، الگوی مقابله سخت با چهار پنج مدل ارائه می گردد که من در کتاب اصول و مبانی جنگ نرم مستندات منتشر شده آن را ترجمه کرده و به آن پرداخته ام.

امروز ما در یک جنگ ترکیبی قرار داریم. در جنگ ترکیبی دشمن از همه مولفه های قدرتش به شکل هوشمندانه بهره می گیرد. این جنگ، جنگ جهانی است و مولفه اصلی این جنگ هم جنگ شناختی است. همه اتاق های فکر دشمن، سرویس های امنیتی دشمن، قرارگاه های رسانه ای دشمن، شبکه ای کار می کنند. قرارگاه دارند و روایت تولید می کنند و بر اساس همین روایت ها، محصول تولید می کنند. تقریباً بیست و دو سه سال پیش، مراکز غربی آمریکایی صریحاً مطرح کردند که جنگ آینده جنگ روایت هاست. در این جنگ، بازیگری موفق است که روایت اول را به دست بگیرد و تثبیت کند و با روایت های مختلف مقابله کند.

هر کسی بتواند روایت اول را در دست بگیرد، در آن جنگ موفق است. ما در جنگ های مختلف در الگوهای مختلف مقابله که به تعبیر حضرت آقا فقط برای ساقط کردن یک نظام یکی از اینها هم کافی بود. با دشمن مواجه شدیم و تمام محاسبات دشمن را تغییر دادیم. البته این را هم می دانیم که کار دشمن همراه با نوآوری است یعنی کار دشمن هیچ گاه تکرار شکست های قبلی اش نیست. هر اقدامی را انجام می دهد حاصل تجربه ها و شکست هایش در چهل و چند ساله گذشته است.

امروز به فضل الهی، رهبری های خردمندانه ی حضرت آقا و هوشمندی مردم از موانع دشمن با همه طراحی های حرفه ای و نبردهای خطرناک و پیچیده اش، عبور کردیم. خود مراکز فکری آمریکایی ها این را اعتراف می کنند. یک موردش همین فتنه ی ۱۴۰۱ بود که به رغم همه سرمایه گذاری ها به شکست خویش اعتراف می کنند. معنی شکست دشمن هم توقف نبرد با دشمن نیست. دشمن مترصد فرصت های جدید هست و مهم ترین نبرد امروز هم نبرد تصویرسازی است.

چرایی جنگ شناختی و جنگ روایت ها علیه ایران

واقعیت این است که در اتاق های فکری آمریکایی و از منظر بیگانگان و نخبگان فکری غرب یا در باور سیاستمداران و تصویرسازان غربی ایران امروز کشوری مستقل و پیش برنده ی مقاومت در داخل و خارج است. تضعیف کننده ی لیبرال دموکراسی است. مبتکر الگوی حکمرانی جدید است. بی ثبات کننده ی امنیت اسرائیل در منطقه است قدرت هوشمند دارد. بازیگر اول منطقه ای و تهدیدگر عناصر و اماکن

متحدها آمریکا در منطقه و برهم زنده ی معادلات قدرت در جهان است که اینها توصیف های خود مراکز فکری است. از من نیست بعد می گوید در مسیر اهداف خودش پیشرفت و بالندگی دارد و هیچ گاه متوقف نمی شود. اما ایران در رسانه های معارض ایران با تصویرسازی بیگانگان برای افکار عمومی یک کشور مفلوک، منزوی، بی ثبات است. به دروغ می گوید. گسست دارد. گسست نسلی، عمومی، مذهبی. گرفتار فساد سیستماتیک و ناقض حقوق بشر است. وابسته به چین و روسیه است. حامی تروریست است. جوانانش ناامید و اقتصادش ورشکسته است. تهدیدکننده امنیت و آزادی های اجتماعی به خصوص آزادی های زنان است. این روایت هایی است که ساخته می شود. جنگ شناختی این جا خودش را نشان می دهد. جنگ، روایت است یعنی جنگ بین این دو تا روایت است. چه چیزی می تواند این تصویر را تغییر بدهد که مقام معظم رهبری فرمودند؛ جهاد فوری جهاد تبیین. در مورد سپاه هم همینطور است.

سپاه در اولویت جنگ شناختی دشمن

دو ویژگی سپاه، هدف عملیات روانی است. اول؛ اقتدار، دوم؛ پشتوانه مردمی.

سپاه مقتدر، مردمی است و هدف هم اعتبار زدایی از سپاه با روایت سازی و تصویرسازی است. لذا در روایت هایی که در همین رسانه های جهانی و مستندهایی که تولید می شود، سپاه را کاسب تحریم ها معرفی می کنند. مدافع تحریم می دانند چون منافع اقتصادی دارد. لذا شبهه و پرسش های مختلف در مورد فعالیت های اقتصادی سپاه است. من یازده سوال اساسی در مورد همین فعالیت های اقتصادی در آورده ام. فعالیت هایی که با انگیزه محرومیت زدایی و با انگیزه سازندگی انجام می شود و معمولاً با مطالبه دولت هاست.

آغاز ورود سپاه به عرصه اقتصادی بعد از دفاع مقدس بوده که به درخواست آقای هاشمی صورت گرفته است. آقای هاشمی از سپاه خواست که قرارگاه سازندگی تشکیل بدهد. آن وقت، تصویری ساخته می شود که اقتصاد در انحصار سپاه است و سپاه با بخش خصوصی رقابت می کند. پس یک محور عملیات روانی علیه سپاه، در حوزه های اقتصادی است که در جنگ روایت، واقعیت با تصویر دو تا مسئله است. مردم هم با تصویر سر و کار دارند نه با واقعیت. یعنی ذهن ها با تصویرها کار دارد. پروژه هایی که سپاه انجام می دهد در توان بخش خصوصی نیست. پروژه هایی است که ارزان تر، سریع تر، جهادی تر و با درخواست دولت ها توسط سپاه انجام می شود. منطقاً نیروهای مسلح باید در زمان صلح دولت ها را کمک کنند. در قانون اساسی هم صراحت دارد. در حوادث مختلف مثل سیل و زلزله و مسائل اجتماعی مانند محرومیت زدایی سپاه، یک رکن جدی است.

ما نتوانستیم تصویر تولید کنیم، ما وقتی نمی توانیم تصویر تولید کنیم تصویر سازی او روایت اول می شود. فعالیت های قرارگاه امام حسن (ع) سپاه، فعالیت های محرومیت زدایی و بسیج سازندگی سپاه بی نظیر

است. اما من در همین دو سه هفته ای که مشغول شدم وقتی بررسی می کنم می بینم درصدی از اینها را هم نتوانستیم از آن تصویر تولید کنیم. میدانی ترین و موثرترین نهاد در حوادث طبیعی، سپاه است. کارنامه عجیبی دارد. استان به استان که می روید می بینید اما وقتی نگاه می کنید می بینید ضعیف ترین بخش سپاه، همین بخش عملیات رسانه ای است.

مصادیق همکاری سپاه، کمک سپاه به همه دولت ها است. کاری به راست و چپ هم ندارد. یکی از تصویرهایی که ساخته می شود در مورد سپاه و سیاست است. می گویند سپاه در سیاست دخالت می کند. در انتخابات دخالت می کند. انتخابات را مهندسی می کند. چنین و چنان می کند. این در حالی است که دغدغه سپاه، مشارکت است. چون مشارکت، سرمایه اجتماعی است و امنیت و این دغدغه سپاه است اما نتوانسته ایم در این زمینه، تصویر تولید کنیم.

هدف اصلی دشمن در ترور شهید هنیه جنگ شناختی بود

روایت سازی از بودجه نهادهای نظامی، روایت سازی از فعالیت های فرهنگی سپاه، خدشه به پیشرفت های دفاعی، بی اعتبار کردن بازدارندگی دفاعی. در همین ترور اخیر شهید اسماعیل هنیه، یکی از هدف ها، زدن اعتبار سپاه، تحقیر سپاه، تحقیر امنیت، تحقیر قدرت بازدارندگی است. این عملیات رژیم صهیونیستی جنگ ترکیبی بود که یک بخش آن ترور و حذف فیزیکی شهید هنیه بود و بخش اصلی آن جنگ شناختی است. یعنی دامن زدن به یک فتنه. تضعیف امنیت، بازدارندگی کشور، تحقیر سپاه. یعنی هم مهمان هدف قرار می گیرد هم میزبان.

البته باید توجه داشت که در این گونه اقدامات، عملیات روانی هم از قبل طراحی می شود و بعد روایت سازی صورت می گیرد. یعنی از قبل یک بسته کامل عملیاتی طراحی می شود که گفته می شود عملیات ترکیبی است. بخشی از آن اقدام امنیتی است. بخشی جنگ شناختی است. بعد هم روایت سازی های مختلف، روایت های فنی در مورد حادثه صورت می گیرد تا به نتیجه دلخواه برسد. لذا یک بار گفته می شود این حادثه بمب گذاری بود؟ بعد می گویند نفوذ بود؟ چه بود؟ هدف تحقیر و تضعیف نیروی قدس سپاه بود.

در صدور اطلاعیه شماره سه تاخیر داشتیم. تاخیر آن هم به خاطر این بود که ما نمی توانیم روایت غیر معتبر به مردم بدهیم. ما باید صادقانه روایت کنیم. وقتی می خواهیم صادقانه و معتبر روایت کنیم، باید به آن روایت معتبر برسیم. دو سه روز طول کشید تا صد نفر از کارشناسان مختلف در رشته های مختلف تحقیق و بررسی کردند. صبر کردیم تا کمیته بررسی فنی به روایت رسید ما همان را به عنوان اطلاعیه شماره سه منتشر کردیم. البته قبلش هم گفته بودیم که اعلام خواهیم کرد.

تصویرسازی از بودجه نهضتی، کمک به جبهه مقاومت را با این تصویر همراه کردند که در شرایطی که مردم مشکل دارند، برای چه منابع کشور این طور هزینه می شود. در صورتی که شما وقتی منابع را بررسی می کنید می بینید که بودجه ما در این زمینه ها به نسبت کشورهای مختلف مثل عربستان سعودی، ترکیه، کشورهای اروپایی، آمریکایی ها بسیار ناچیز است.

دامن زدن به دوقطبی ارتش و سپاه از دیگر محورهای عملیات روانی و تصویر سازی هاست. ایجاد تردید در حقانیت و قانونی بودن عملکرد سپاه. آیا عملکرد سپاه درست و قانونی است. آیا عملکرد سپاه در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نتیجه بخش است. قانونی هست؟ در این موارد محورهای مختلفی وجود دارد.

ایجاد ناامیدی و تضعیف روحیه محور جنگ شناختی دشمن

محور دیگر روحیه زدایی و ایجاد ناامیدی در درون سپاه بود. در جریان فتنه ۸۸ یکی از کارهایی که هم علیه فراجا و هم علیه سپاه انجام دادند سایت ها و شبکه های اجتماعی ای را راه انداخته بودند تا این تصویر را تولید کنند که سرداران در دوران دفاع مقدس جان خود را می دادند اما سرداران امروز سپاه مردم را می زنند، مردم را می کشند. بر همین اساس تصویرسازی می کنند.

همه این ها به خاطر زدن آن پشتوانه مردمی سپاه است چون پشتوانه مردمی در حوزه های دفاعی، امنیتی بسیار مهم است. تصویرسازی از سپاه به عنوان یک سازمان تروریستی محور مهم دیگری بود که دنبال می کردند. یعنی چنین القاء می کردند که فشارهای خارجی بر ایران ناشی از اقدامات نظامی و امنیتی سپاه است. تصویرسازی علیه سپاه سرفصل های فراوانی دارد که باید عبور کنیم. اما چیزی که می خواهم عرض کنم این است که افکار عمومی داخلی و افکار عمومی جهانی و منطقه ای عمدتاً با این تصویرها کار دارند. ذهن ها تصویرها را می پذیرد نه واقعیت ها را و این جنگ، جنگ جدی است. جنگ، جنگ جدی است. فاصله تصویر مطلوب با موجود زیاد است. تصویر مطلوبی که باید از سپاه باشد با تصویر موجودی که هست بسیار فاصله دارد. تصویری که از خود نظام هست و تصویری که باید باشد به خصوص در ذهن نسل جوان بسیار فاصله دارد.

علت آن هم روشن است چون اولاً ما جنگ شناختی را جدی نگرفته ایم و باورش نداریم. وقتی جنگ شناختی و روایت جدی گرفته نمی شود به طور طبیعی در خیلی از عرصه ها بازنده هستیم. در اطلاع رسانی در تصویرسازی هم ضعف هایمان جدی است. تراز عملیات رسانه ای ما متناسب با مجاهدت های سپاه نیست. تراز عملیات رسانه ای ما در بخش های مختلف کشور هم همین طور است. حضرت آقا مکرر این را خطاب به قوه قضائیه و خطاب به دولت شهید عزیز شهید رئیسی فرمودند. ما نیاز به ساخت یک تصویر واقعی از منطق و شخصیت سپاه داریم.

مواضع سپاه باید با عباراتی فاخر، شفاف، بلند تبیین شود. نقش آفرینی های سپاه در حوزه های اجتماعی، امداد، خدماتی که به مردم دارد، درست اطلاع رسانی شود. روایت های سپاه از دستاوردها و فعالیت های خودش باید صادقانه، درست، حرفه ای با تولیدات پرمخاطب روایت شود. با مردم باید صادقانه صحبت کرد. با دشمن، واضح، آشکار، بدون هراس. محاسبات دشمن را باید مرتب تغییر داد. پیشرفت های سپاه باید به موقع اطلاع رسانی شود و در مجموع باید بتوانیم از سپاه یک هویت زنده، بالنده و به تعبیر آقا پیشبرنده به تصویر بکشیم.

سرعت حوادث روایت پیوسته و منظم را طلب می کند

امروز با رسانه ها و فناوری های جدید فاصله ها برداشته شده است. رسانه ها در همه حوادث روایت می کنند و در محیط حوادث زندگی می کنند. در همین یک سال اخیر ما در جبهه مقاومت روایت مظلومیت مردم غزه و جنگ مردم غزه را داریم. بعد شهادت شهید رئیسی را داشتیم. انتخابات زودهنگام را داشتیم. شهدای جبهه مقاومت و سرداران جبهه مقاومت را داشتیم و اخیرا نزدیک ترین ترور یعنی ترورشید هنیه را داشتیم. در دل حوادث داریم زندگی می کنیم و مرتب و پیوسته باید روایت کنیم. هر کدام از اینها می تواند تصویر امید و ناامیدی، تصویر درست و مخدوش تولید کند.

بستگی دارد به این که ما چقدر این عملیات شناختی را جدی گرفته باشیم. تخریب ارزش ها، هویت، عوامل انسجام یک کشور، عوامل وحدت یک کشور، فرهنگ یک کشور که در جنگ شناختی هدف قرار می گیرند، خطرناک ترین تهدید است. کار امروز فعالان رسانه ای، فرماندهان و افسران جهاد تبیین، کسانی که قدرت بیان دارند، قلم دارند، خبرنگارها و تصویربردارها که می توانند تبیین کنند، کار سنگین، سخت و پیچیده ای است. رسیدن به روایت باورپذیر که بتواند متقاعد کننده و همراه کننده باشد کار دشواری است.

می گویند در جنگ نرم کسی موفق است که قدرت یارگیری داشته باشد. یارگیری در جنگ نرم بسیار سخت تر از جذب نیرو برای میدان نبرد سخت است. در دوران دفاع مقدس اعزام نیروی یکصد هزار نفری با یک موج رسانه ای در کشور راه می افتد. اما در جنگ نرم یارگیری کار سخت و پیچیده ای است. اما اگر بپذیریم که افکار عمومی مولفه اصلی قدرت ملی است. افکار عمومی و رسانه ها ابزار اصلی است. این را غربی ها الان بیست، بیست و پنج سال است که دارند می گویند. هر بازیگری، هر نظام سیاسی ای که افکار عمومی را در اختیار داشته باشد، قدرت رسانه ای جریان ساز داشته باشد، مولفه اصلی قدرت را دارد.

اندیشکده رند در کتاب جنگ شبکه ای در سال ۲۰۰۱ می گوید؛ جنگ آینده، جنگ شناختی، جنگ روایت هاست. در جنگ آینده برنده جنگ دارنده سلاح های استراتژیک مانند سلاح هسته ای، پهپاد و موشک نیست. کسی پیروز است که بهترین، باورپذیرترین روایت یا روایت اول حوادث را به دست می گیرد. وقتی جامعه نسبت به داشته های خودش بی تفاوت باشد، بنیان های جامعه سست می شود. هویت

تغییر می کند هویت که تغییر کرد، هر رفتاری شکل می گیرد. رفتار معارض سیاسی - اعتقادی شکل می گیرد. رفتاری که شما کف خیابان می بینید ریشه اش در همین تضعیف هویت است. ریشه اش در جنگ شناختی است. به تدریج هم این اتفاق می افتد اما جامعه ای که بصیر، آگاه و دارای معرفت و فهم سیاسی است فریب نمی خورد.

چگونگی روایت گری صحیح و قابل باور

روایت های ما باید جذاب، مستند، معتبر، به موقع، به اندازه کافی باورپذیر، قابل فهم، صادقانه باشد. جنبه تبیینی قوی داشته باشد. به هنگام و فاقد تناقض باشد. بتواند روایت دشمن و روایت تحریف را بی اعتبار کند و مرجعیت خبری آن را بتواند ثابت کند. سرعت داشته باشد، واکنش به موقع باشد. همراه با نوآوری و تنوع باشد. از سانسور و محافظه کاری اجتناب شود. مشکل ما به عنوان جریان انقلابی در روایت، صداقت نیست. مشکل ما در روایت، عمدتاً مهارت است. دشمن در تبلیغات پروپاگاندايي دستش باز است. از همه ابزارها با مبانی خودش استفاده می کند.

گاهی نمی توانیم ماجرا و جزئیات یک حادثه را بگوییم یا ابهام داریم. سکوت می کنیم دیگران روایت می کنند. به پنهان کاری و عدم صداقت متهم می شویم. سکوت یک تکنیک عملیات روانی است. اما همه جا سکوت جواب نمی دهد. همه جا سکوت تکنیک درستی نیست. در یک جاهایی مضر است. شما وقتی روایت دقیق و معتبر را ندارید صادقانه باید صحبت کنید که ما نیاز به زمان داریم تا به روایت معتبر برسیم. وقتی سکوت می کنید، آقا فرمودند اگر روایت نکنید روایت دیگران در حوادث مهم تثبیت می شود. در حوادث امنیتی پیچیده تر است. یعنی اطلاع رسانی پیچیده تر است چون سیاستگذاران امنیتی و سیاستگذاران رسانه ای راحت نمی توانند هم افزایی کنند. برای یکی افکار عمومی، متن است و برای یکی امنیت، متن است. به هر حال اگر این تعامل درست شکل نگیرد در به دست گرفتن روایت اول دچار مشکل می شویم.

چگونگی روایت گری از دل حوادث و شکست ها

یک ترور یا انفجار یا خرابکاری انجام می شود، با خبرهای ضد و نقیض و شایعات با افکار عمومی بازی می شود و شما منتظرید به روایت معتبر برسید، هماهنگ کنید. بعد هم وقتی با تاخیر روایت می کنید از اعتبار می افتید. مرجع خبری دیگری نداریم. وقتی روایت معتبر نداریم و از جزئیات یک حادثه بی خبریم، بهترین کار سکوت نیست. چه اشکالی دارد بگوییم چندین فرض وجود دارد، داریم بررسی می کنیم. همین عملیات رسانه ای داشتیم. وقتی نگاه می کنیم در عملیات رسانه ای در خیلی جاها، مشکلاتمان بیشتر از توفیقاتمان است. گاهی از دل شکست ها و از دل حوادث باید روایت کرد. خبر خوب می تواند از دل شکست ها هم استخراج شود. به عبارتی خبر خوب درست روایت کردنش خبر منفی هم هست.

آقا یک جمله ای دارند و می گویند که چرا شما فقط عملیات های موفق را در دوران دفاع مقدس روایت می کنید. در دل شکست ها، حماسه ها وجود دارد. ما تا مدت ها بعد از جنگ از عملیات کربلای چهار در مرکز آثار اسناد هیچ چیزی نداشتیم. اصلا کربلای چهار را روایت نمی کردیم. اما آقا فرمودند که شکست ها را هم روایت کنید. در دل شکست ها، حماسه ها وجود دارد. ما اصلا روایت کربلای چهار را تقریبا تا یکی دو دهه بعد از دوران دفاع مقدس در مرکز اسناد و آثار را ندیدیم. اصلا عملیات حذف شده است و بعد دشمن این مسئله را سر دست گرفت و از آن به عنوان تلخ ترین، پرتلفات ترین عملیات، دوران دفاع مقدس. یک روایت جعلی ساخته بود. چرا ما نباید بگوییم که اگر کربلای چهار نبود کربلای پنج را نداشتیم. چرا بلد نیستیم روایت کنیم که اگر رشادت و مجاهدت غواص ها در کربلای چهار نبود کربلای پنج را نداشتیم. چرا این را نگوییم که این تدبیر فرمانده بود که هشت ماه طرح ریزی شد و زدیم به خط. دیدیم لو رفته بعد بلافاصله آن را متوقف کردیم و از تلفات جلوگیری کردیم. کمترین تلفات هم در عملیات کربلای چهار دادیم. ما ۹۸۶ شهید ثبت شده به تفکیک یگان داریم. عمده قوا را حفظ کردیم. تدبیر کردیم و رزمندگان را حفظ کردیم و بعد عملیات بی بدیل منحصرا به فرد تعیین کننده سرنوشت ساز کربلای پنج با پیروزی کامل انجام شد. یک عملیات است در یک منطقه با یک هدف در یک راستا است و در امتداد همدیگر است.

امام رضوان الله علیه فرمودند جنگ ما فتح فلسطین را در پی خواهد داشت. آن موقع زمانی که این حرف زده شد اصلا باورپذیر نبود. شهید والا مقام شهید سلیمانی بخش زیادی از این را باورپذیر کرد. با درس هایی که از دفاع مقدس گرفت یک منطقه بزرگی را به حرکت درآورد. یک جبهه عظیم مقاومت را شکل داد و جبهه مقاومت را به یک هویت تبدیل کرد. ما در دفاع مقدس به تعداد رزمنده در خط گاهی سلاح انفرادی نداشتیم. امروز نه تنها به بازدارندگی رسیدیم بلکه از این مرحله هم عبور کردیم.

چرایی روایت گری نقاط قوت نظام اسلامی برای جوانان

تصویری که تولید می کنیم خیلی مهم است. دشمن الان از ورود به جنگ با ما اجتناب دارد. او دنبال بازدارندگی است. یک زمانی یک سرباز آمریکایی بیشتر از یک شهروند ایرانی در خیابان های ایران مصونیت داشت. الان ناو آمریکایی می خواهد در خلیج فارس عبور کند، باید با احترام پاسخ بچه های نیروی دریایی ما را بدهد تا حواسش جمع باشد که دارد به آب های سرزمین جمهوری اسلامی وارد می شود. او از این که وارد جنگ با ما شود می ترسد. او به بازدارندگی خودش فکر می کند. ما از بازدارندگی گذشته ایم. جهاد تبیین یعنی بیان این حرف ها را روایت کردن. این حرف ها را زدن، تصویر تولید کردن.

مشکل اساسی ما این است که برای جوان امروز نمی توانیم از این اتفاقات، از این دستاوردها، تصویر تولید کنیم. امروز فلسطین و محور مقاومت از زمان شکل گیری اش به خصوص بعد از سال ۲۰۰۰ و شکل

گیری جبهه عظیم مقاومت در هیچ جنگی بازنده نبوده است. شکست دادن محور مقاومت بعد از پیروزی در جنگ سوریه و مقابله با داعش بسیار دشوار شد یعنی توسط شهید سلیمانی برای کارهای بزرگ قدرت سازی شد. افکار عمومی هم در دنیا با فلسطین هست و اسرائیل انزوای بین المللی کامل دارد. اگر هم امروز رژیم صهیونیستی دست به یک اقدام تاکتیکی می زند این کنش نیست واکنش است. شکست در میدان را می خواهد جبران کند. شکست های راهبردی اش را می خواهد با یک کار تاکتیکی جبران کند. خودش هم گفته به هیچ یک از اهداف خودش در میدان نرسیده است.

ترور شهید هنیه هم یک جنگ ترکیبی بود

در ترور اخیر هم عرض کردم یک جنگ ترکیبی غالب شد. این ترور پیوست های مختلفی داشت. که یکی دامن زدن به یک فتنه شیعه و سنی بود. یکی دیگری بی اعتبارسازی قدرت و بازدارندگی و امنیت و اعتبار سپاه بود. هدف های زیادی داشت. بعد در همه این هدف ها شکست خورد. در جنگ شناختی شکست خورد. واکنش به موقع و سریع مقام معظم رهبری در خون خواهی، آن تشییع با شکوه، نماز حضرت آقا بعد واکنش جهان اسلام واکنش هماهنگ خود حماس. خانواده این شهید بعد همه اینها با آن روایت ها مقابله کرد. اینها توفیقات بزرگی ست ما تجربه های زیادی داریم که از اینها باید درس بگیریم. در جاهای زیادی هم عرض کردم که آن تصویری که باید از دستاوردها و مجاهدت ها باشد با آن تصویر فاصله هست. انشاءالله که شما عزیزان جهادگر در عرصه تبیین با توفیقات الهی در این عرصه خطیر موفق و سربلند باشید.

والسلام علیکم ورحمه الله